

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکمرانی، سیاست و دولت

ن پی یرو گای پیترز

ترجمه حسین قلجی

www.ketab.ir

سرشناسه	پیر، یون، ۱۹۵۳ - م. Pierre, Jon
عنوان و نام پدیدآور	حکمرانی، سیاست و دولت/ یان پی‌یر و گای پیترز؛ ترجمه حسین قلجی.
مشخصات نشر	تهران: رهیافت خط اول، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۲۰ ص.
شابک	۱۰۰۰۰۰ ریال: 978-600-94492-0-0
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Governance, politics, and the state, 2000.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۸۵.
موضوع	دولت
موضوع	سیاست اجتماعی
موضوع	دولت رفاه
موضوع	اقتصاد آزاد
موضوع	سیاست‌گذاری
شناسه افزوده	پیترز، بی. گای، ۱۹۴۴ - م.
شناسه افزوده	Peters, B. Guy
شناسه افزوده	قلجی، حسین، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۱/پ ۹ ح ۸ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	۳۲۰/۱
شماره کتابشناسی ملی	۷۲۲۰۱

رہیافت

حکمرانی، سیاست و دولت

تألیف: یان پی‌یر و گای پیترز

ترجمه: حسین قلجی

ناشر: رهیافت خط اول

طراح جلد: عامل آرانی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۳

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معرفت

نشانی: اتوبان ارتش - سوهانک - مجتمع مروارید - بلوک C - طبقه ۶

تلفن تماس: ۰۹۱۲۳۲۷۴۰۱۸

کلیه حقوق نشر محفوظ است.

فهرست مطالب

مقدمه دکتر معین.....	۵
پیشگفتار مترجم.....	۹
مقدمه: حکمرانی چیست.....	۱۳
بخش اول: دیدگاه‌هایی درباره حکمرانی.....	۲۱
فصل اول: نگرش‌های مختلف درباره حکمرانی.....	۲۳
فصل دوم: دیدگاه‌های مفهومی و نظری درباره حکمرانی.....	۳۹
فصل سوم: چرا حکمرانی اکنون اهمیت یافته است.....	۶۱
بخش دوم: مدل‌های حکمرانی.....	۷۹
فصل چهارم: حکمرانی در سه سطح.....	۸۱
فصل پنجم: سناریوی اول: بازیابی تسلط و کنترل.....	۱۰۱
فصل ششم: سناریوی دوم: شریک کردن نهادهای دیگر در حکمرانی.....	۱۱۹
فصل هفتم: سناریوی سوم: اجتماع‌گرایی، مشورت، دموکراسی مستقیم و حکمرانی.....	۱۳۹
بخش سوم: حکمرانی و دولت.....	۱۶۱
فصل هشتم: دولت‌ها در گذار.....	۱۶۳
فصل نهم: نتیجه‌گیری: بازاندیشی دولت و حکمرانی.....	۱۸۹
منابع و مآخذ.....	۱۸۵

رمز و مفهوم حکمرانی در دنیای معاصر، نگاهی نو به نقش دولت در جامعه است. از دهه ۱۹۸۰ این سر، دانشمندان علوم سیاسی به تمیز دادن دو مفهوم «حکمرانی»^۱ و «حکومت»^۲ از یکدیگر گرایش پیدا کرده‌اند. واژه «حکمرانی» به معنای اولیه و اصیل آن، عبارت از «طراحی نظامی از قواعد برای حکومت کردن»^۳ بود و از ابتدا با مفهوم «توسعه کردن»^۴ به معنای کسب قدرت و اعمال کنترل یا قدرت قانونی پیوند نزدیکی داشته است. اما این روزها تعبیرهای جدیدی از حکمرانی ارائه می‌شود که عمدتاً به لزوم شناسایی و پاسخ‌گو بودن دولت در برابر شهروندان، ایجاد پیوندهای قوی‌تر میان دولت و جامعه مدنی، ایجاد برابری در جامعه و توسعه پایدار ارتباط پیدا می‌کند.

چنین تعبیرهایی از حکومت و حکومت‌مدنی^۵ خواه به کم‌رنگ‌تر شدن مرز بین دولت و جامعه مدنی و انتقال برخی عملکردهای دولت به جامعه مدنی می‌انجامد. از این رو، حکمرانی را می‌توان لحظه‌ای از فرایند دموکراتیک‌سازی دولت‌ها محسوب کرد. در این زمینه به خصوص به توسعه دسازماندهی و گسترش شبکه‌های بین‌سازمانی^۶ و افزایش نقش بخش خصوصی در معادلات سیاسی و اقتصادی اشاره کرد. هواداران ایده حکمرانی، هر چقدر هم بی‌اهمیت نقش نهادهای رسمی در روند توسعه اذعان داشته باشند، باز هم نمی‌توانند اهمیت نهادهای غیررسمی و ضرورت ایجاد وابستگی متقابل میان دولت و جامعه و

1. Governance

2. Government

3. Govern

4. Governmentality

5. Interorganizational

گنجاندن نهادهای غیر رسمی در مفهوم حکمرانی را نادیده بگیرند. در این صورت، نه تنها مرزهای موجود میان دولت و جامعه مدنی خدشه دار می شود، بلکه این امر متضمن وجود قواعد و مناسبات جدیدی برای اعمال قدرت و حل و فصل منازعه ها و سازش میان منافع رقیب خواهد بود. به طور کلی، ایده حکمرانی به طور غیرمستقیم به گسترش نقش بازیگران و سازمان های غیردولتی یاری می رساند.

ایده حکمرانی تصویر موجود از «حکومت» به عنوان نهادی در رأس سلسله مراتب سیاسی - اجتماعی و اقتصادی را متزلزل کرد. این تصویر از «حکومت» بر اساس تقابل سازی میان بخش خصوصی/بخش عمومی از یک سو و دولت/جامعه مدنی از سوی دیگر شکل گرفته بود و سابقه طولانی پانصد ساله دارد. اکنون این تلقی به تدریج کالبدی خود را از دست می دهد. به صورتی که، در جریان رشد و توسعه کشورهای پیشرفته، پیش نیاز به ارائه یک مفهوم «یکپارچه»^۱ احساس می شود. در این مدل سیاسی و اجتماعی جدید که احتمالاً برخی الگوهای توسعه در قرن بیست و یکم را رقم خواهند زد، کمتر به روی مؤلفه قدرت تأکید می شود، نهادگرایی^۲ و نهادسازی تشویق می شود، سیاست های اجتماعی^۳ و ارتباطی^۴ جایگزین سیاست های تعارضی^۵ می شوند و بخشی از مسایل که در گذشته در عرصه «امر سیاسی»^۶ حل و فصل می شد، به عرصه های غیرسیاسی^۷ انتقال یافته است. این تصویر جدید در مورد رابطه دولت و جامعه مدنی، کم می تواند آینده کشورهای را که از ظرفیت نسبتاً بالای توسعه برخوردارند، با این اوصاف، می توان حدس زد که مفهوم جدید «حکمرانی» فعلاً بیشتر بر روی جوامعی مصادق دارد که تا حدود زیادی توانسته اند به درگیری های داخلی خود پایان دهند، قانون مدار باشند، سازوکارهای مشخصی برای حل بحران های سیاسی و اقتصادی خود در اختیار دارند، سازش طبقاتی را تجربه کرده اند و رهبران سیاسی آن از تزیین مجدد قدرت ابایی ندارند. در واقع، رشد تاریخی این جوامع به گونه ای بوده که اهمیت سیاست

1. Integrative
2. Institutionalism
3. consensual
4. communication
5. consensual
6. the political
7. Non-political

پرشدهات^۱ در آنها به تدریج دو به کاستی گذار داده جی^۲، پسین مربوط به سیاست که اساساً همیت بیشتری پیدا می کند. تحول مفهوه حکمرانی محسوب می شود. در این باره جی^۳ و ... و ... در نظر گرفته می شود. فایده فهم نیست.

در سیاست، اگر به مندرجه امری مربوط به تقسیم گیری درباره توده های غدار حکم و حکومت کردن تعریف کنیم، در آن صورت میزان اهمیت تحول مفهوه حکمرانی برای دینی معاصر آشکار می شود: پس هر مستند تحقیق درباره مسائل سیاسی و فلسفی پس بدیده می باشد. در بعضی از این معادله، در حومه ما که شماری از تری با یکگونه موضوع ها وجود دارد، بیشتر حساس می شود. این آشناسازی حیره ... نیز با بدفهمی درباره نظریه ها و مفاهیم، به نوبه خود، کاربرست آنها در ... جامعه مختلف می سازد و پایه و اساس سوء تفاهد های بعدی قرار می گیرد. به اینجهان با وجود آنکه نظریه های مربوط به حکمرانی هنوز در جامعه ما معرفی نشده اند، این موضوع آنقدر در سطح جهانی شناخته شده است که در بیانیه «هزاره» سازمان ملل متحد (۲۰۰۰ میلادی) به عنوان یک هدف سیاسی مشخص در جهت توسعه سیاسی ... اشاره شود. چه بهتر، در سال های آتی اهل اندیشه و تحقیق بتوانند به طریق اثباتی یک رشته آثار در این زمینه ایده حکمرانی را به ایرانیان بیشتر بشناسانند. در این راستا، اقدام آقای «حسین قلیچی» در ترجمه کتابی در این زمینه قابل تحسین است و باید آن را مغتنم شمرد. اثر حاضر شروع خوبی برای آشنایی با مفهومی است که در روز گسترش بیشتری در مباحثات مربوط به سیاست گذاری عمومی، سیاست ملی و روابط بین الملل پیدا می کند و مهم تر از آن، اندک اندک به یکی از مفاهیم کلیدی در مفهوم سیاسی تبدیل می شود.

جهانگیر حسن سلمداری

تهران - مهر ۱۳۸۳

پیش‌فشار مترجم

علم سیاست در معنای مضاعف قدرت و فرایند حکمرانی عمری به قدمت خود سیاست دارد. این علم آنچه امروزه علم سیاست نامیده می‌شود پدیده‌ایست که مراحل رشد خود را در «فلسفه سیاسی» در آثار ماکیاوول، روسو و لاک آغاز کرد و در روند بالندگی خود همواره «انقلاب» دورکنایم (یا تبعیت از اکثریت کنت) یا در مرحله «علم سیاست» به معنای «معدن» کنایش ثابت و قابل کشف خارج از ذهن، نهاد، درست زمانی که علم سیاست میل به جست‌وجوی حقایق و هنجارکراییان در کشمکش بود، پنجره جدیدی توسط ایستون، آلتوسر و سامون گشوده شد و آن گذار از علم به «عمل سیاسی» بود. از این نگاه کارکردی آن علم به‌هم بود بهره‌گیری از دستاوردهای مطالعات سیاسی، مدیریتی و جامعه‌شناختی در حل مشکل اجتماعی بود. از این زمان (دهه ۱۹۷۰) برخی دانشمندان علوم سیاسی نگاه خود را معطوف به فرایند حکمرانی و مدیریت سیاسی جامعه نمودند و از این منظر به‌رسانش مسائل ارادیه‌ها، نظریه‌ها و پدیده‌های سیاسی پرداختند.

به موازات این رشد متدولوژیک، تعارضات شناخت‌شناختی (استپولوژیک) هم جریان داشت و آن منازعه علم سیاست ارتدوکس و علم میلان مدرن از جنبه شناخت پدیده‌های سیاسی بود. علم سیاست ارتدوکس نگرشی صدامندانه برای روابط حکومت - جامعه داشت برای نمونه می‌توان مارکس، وبر، پاره‌ت و میخلر، آلتوسر و گرامشی را نام برد که چه از منظری کثرت‌گرا و چه از منظری انتقادی روابط قدرت را یک سویه و «بالا به پایین» در نظر داشتند. در حالی که علم سیاست مدرن روندی دوسویه از روابط را میان دولت - جامعه مورد شناسایی قرار می‌داد. بازیگران قدرتمند جامعه «گروه‌های فشار، نفوذ و ذی‌نفع» بر دولت فشار وارد می‌کنند و توده نیز برخی خواسته‌های دولت را با ابزارهای توده‌ای (خشونت، اعتصاب، انقلاب و

عدم مشارکت) نمی‌پذیرد. دانشمندانی مانند رابرته دال، اوفه، ترومن و مدیسون از این گروهند و برخی هم مانند دویچ با نگاهی سیستمی دولت را پاسخگو به جامعه در دو قالب، بازخورد و درونداد معرفی می‌کند، دولت مانند ترموستات با توجه به ویژگی محیط، کنش انجام می‌دهد و سعی در ایجاد و حفظ تعادل محیط دارد. در اوج این جدال با فرارسیدن عصر جهانی شدن و ارتباطات الگوی جدیدی در مطالعه روابط دولت-جامعه طرح شد که با استدلال به حرکت قدرت دولت به بالا (سازمان‌های فرامی) - به پائین (نهادهای فروملی) و به بیرون (سازمان‌های غیردولتی و خصوصی) - منجر به زایل شدن و ذیلی و تنظیمی دولت را به شدت رد کرد و الگوهای کورپوراتیستی و پلورال - کورپوراتیستی را طرح کرد. افزایش «خود - سازماندهی» جامعه و افزایش نقش جامعه در فرایند حکمرانی به همراه تکه‌تکه شدن قدرت دولت موجب شده است تا ابزارهای سنتی «سازامیز حکمرانی ناکا» درآمد و ابزارهای اقناعی و مبتنی بر مذاکره بر گروه‌های سازمان‌ها در جامعه مدنظر قرار گیرند. دیگر نمی‌توان حکومت کرد بلکه باید الگوهای «حکمرانی خوب» را شناخت و جامعه را به وسیله آنها مدیریت کرد. به قول کروزیه «دولت متکبر» باید جای خود را به «دولت فروتن» بدهد.

از این رهگذر کتاب حاضر که نخستین بار در ایران از متخصصان حوزه عمل سیاسی (سیاست‌گذاری) و «حکمرانی» در دانشگاه‌های پیتسبورگ و گوتنبرگ هستند، محل تلاقی دو جریان جدید فوق می‌باشد و مطالعه آن برای هر کسی که به مطالعات جدید در حوزه علوم سیاسی است. از منظر نویسندگان توان حکمرانی‌ها برای سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصاد و جامعه از سوی نیروهای بازاری و نهادهای بین‌المللی، بازیگران فروملی و سازمان‌های خارج از بخش دولتی در معرض تغییر است. لذا امروزه سیاست‌گذاری شبکه‌هایی فراتر از حکومت را در برمی‌گیرد و سیاست‌گذاران با نقد الگوهای ایده‌آلیستی حکمرانی معتقدند هنوز هدایت جامعه از میان‌دست دولت جریان دارد. چرا که اولاً محلی‌سازی نشانه تقسیم حاکمیت دولت است زیرا بخش دولتی همچنان از طریق حاکمیت‌های محلی اقتدار خود را اعمال می‌کند. در ثانی مفهوم «هدایت» به خودی خود نشان از باقی بودن توان تنظیم و اعمال خواسته دولت بر جامعه را داراست. سوم اینکه، گرچه دولت با پیوستن به نهادهای بین‌المللی بخشی از حاکمیت خود را از دست می‌دهد اما از این طریق اهرم‌هایی به دست می‌آورد که جبران‌کننده آنچه از دست داده می‌باشد و سرانجام اینکه تاریخ نشان داده است دولت

- ملت‌ها هرگاه نخواهند می‌توانند حاکمیت‌های و کداری بسازند و بسازند. ملت‌ها هرگاه نخواهند می‌توانند حاکمیت‌های و کداری بسازند و بسازند. ملت‌ها هرگاه نخواهند می‌توانند حاکمیت‌های و کداری بسازند و بسازند.

زین رهگذار نویسندگان معتقدند برخلاف متفکران حکمرانی غرب، به حقایق که در فلسفه دولت و یا فلسفه سیاست آمده تغییر از روی نقش دولت و طبقات هویت‌ها و یا شرایط محیطی هستیم، در بدی که غیری به دولت خود دولت‌ها در

در حدود و مرزهای خود از استاد محترم جناب آقای دکتر معینی که با مقدمه شیوای خود بر غنای کتب خود می‌افزاید.

حسین قصبی

پائیز ۱۳۹۰

باید به گونه‌ای که در کتاب حکومت آمده که خود را تحت حکومت نماند بلکه خواستار آزادی و انتخاب‌های آزادانه دنبال کنند. در این روش آنها فقط توسط عشق به آزادی، آرزوی افزایش دارایی‌ها و امید دستیابی به مقام دولتی کنترل خواهند شد. (اسپینوزا)

www.ketab.ir